

## شمال غرب ایران در دوره هخامنشی در پرتویافته‌های باستان‌شناختی قلعه قوناق قیران

ثروت ولدبگی\*، دکتر مصطفی ده‌پهلوان\*\* و دکتر رضارضالو\*\*\*

\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

\*\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

### چکیده

منطقه شمال غرب ایران در هزاره اول پ.م. نقش مهمی در انجام مراودات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران با سرزمین‌های پیرامونی ایفا می‌کرده است. با توجه به اهمیت بالای منطقه، ابهامات زیادی در شناخت ویژگی‌ها و تعاملات فرهنگی این منطقه به ویژه در دوران هخامنشی و اشکانی وجود دارد. معرفی و تحلیل باستان‌شناختی هر چه بیشتر یافته‌های فرهنگی گذشته و جدید می‌تواند سهم زیادی در روشن ساختن ابهامات فرهنگی منطقه داشته باشد. قلعه قوناق قیران از محدود محوطه‌های مربوط به دوره هخامنشی در استان اردبیل است. این قلعه بزرگ‌ترین استقرار دارای ظروف منقوش مثلثی مربوط به دوره هخامنشی در دشت اردبیل است که تا کنون بررسی و کاوش نشده است. بررسی باستان‌شناختی قلعه قوناق قیران به شیوه روشمند و با اجرای عملیات نقشه‌برداری، نمونه‌برداری، مستندسازی و تحلیل یافته‌ها انجام شد. هدف، مطالعه ۲۵٪ داده‌های فرهنگی داخل کارگاه‌های سطح قلعه بود. از آنجایی که هدف اصلی این پروژه شناخت ویژگی‌های ظروف منقوش مثلثی بود، پس از طبقه‌بندی سفال‌ها و گزینش نمونه‌های شاخص، مطالعه و مقایسه تطبیقی آن‌ها با دیگر محوطه‌های هم‌زمان در داخل و خارج ایران انجام شد. از این قلعه همچنین سفال‌های منقوش سبک اردبیل و سفال‌های لعاب‌دار با لعاب سبز متعلق به دوره سلجوقی به دست آمد که نشانگر توالی استقرار در آن است. ویژگی‌های بارز معماری دفاعی قلعه قوناق قیران و شرایط محیطی و توپوگرافیک آن نشان از اهمیت و جایگاه سیاسی این محوطه دارد.

**واژگان کلیدی:** قلعه قوناق قیران، ظروف مثلثی، ظروف سبک اردبیل، هخامنشی، معماری دفاعی، آذربایجان.

### درآمد

سفال این دوره بسیار محدود و ناقص است. یکی از مناطقی که سفال‌های هخامنشی از آن بدست آمده شمال غرب ایران است. هخامنشیان در مقایسه با سایر حکومت‌ها بقایای بسیار کمی در این منطقه به جا گذاشته‌اند. امروزه با توجه به بررسی‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناختی که در زمینه آثار دوره هخامنشی قفقاز جنوبی انجام گرفته، در شمال غرب ایران خلاء پژوهشی در مورد شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی این دوره احساس

نقش فرهنگ دوره هخامنشی در تکوین و تکامل تمدن و فرهنگ ایران دارای اهمیت بالایی است. با این وجود باستان‌شناسی این دوره مسائل و ابهامات فراوانی دارد. پیرامون معماری، نقوش برجسته و زیورآلات در محوطه‌های عمده هخامنشی اطلاعات زیادی وجود دارد، اما می‌توان گفت از سفال این دوره شناخت زیادی در دست نبوده و شناخت ما از

### بررسی میدانی قلعه قوناق قیران

ادبیات باستان‌شناسی سه دهه گذشته و همچنین ادبیات حال حاضر گرایش قابل ملاحظه‌ای را در حوزه روش‌های باستان‌شناسی به خصوص در زمینه کشف و شناسایی محوطه‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که به طور عمده مبتنی بر توسعه اندیشه‌هایی است از قبیل:

- رویکرد مکتب باستان‌شناسی جدید به باستان‌شناسی علمی و استفاده از روش‌های تحلیل تجربی.
- جایگزینی روش‌های غیر تخریبی کشف آثار به جای روش‌های تخریبی کاوش‌های باستان‌شناختی.
- تأکید بر یافتن داده‌های مطمئن از طریق تقلیل فضا‌های مورد مطالعه و صرفه‌جویی در هزینه و زمان.

در اینگونه اندیشه‌ها، اساس کار مبتنی بر تئوری نمونه‌برداری است اما ایده‌های مهم دیگری نیز مانند رابطه معنادار میان آثار روی سطح و زیر سطح و جایگزینی رویکرد روش بی‌سایت به جای روش‌های سنتی سایت‌گرا جایگاه ویژه‌ای را در این گرایش به خود اختصاص داده‌اند (نیکنامی، ۱۳۸۴: ۴۴).

از منظر کلی بررسی‌های میدانی برای تعیین موقعیت و ویژگی‌های مکان‌های باستانی انجام می‌شود. وظایف و هدف‌هایی که در بررسی‌های میدانی دنبال می‌شوند شامل برآورد نوسان‌های جمعیتی منطقه، دگرگونی آن در درازمدت، ارتباط مکان‌های باستانی با محیط زیست و منابع طبیعی و ... است (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

### اهداف بررسی

در بررسی قلعه قوناق قیران سه هدف مورد نظر بود: ۱- استفاده از یکی از شیوه‌های روشمند بررسی در مورد یک مکان باستانی (هدف فنی) ۲- تحلیل کمی داده‌ها (هدف آماری) و ۳- شناخت و معرفی ویژگی‌های سفال قلعه قوناق قیران (هدف فرهنگی)<sup>۱</sup>.

می‌شود. قلعه قوناق قیران یکی از محوطه‌های هخامنشی شمال غرب ایران در استان اردبیل است که از آن علاوه بر سفال‌های منقوش مثلثی مربوط به دوره هخامنشی، سفال‌های سبک اردبیل و سفال‌هایی بالعباب سبز متعلق به دوره سلجوقی به دست آمده که نشان دهنده توالی استقرار و سکونت در ادوار مختلف در این قلعه بوده است. یافته‌های معماری این محوطه از قبیل برج و بارو، دروازه و جز آن، گواه بر وجود معماری دفاعی و شاید استمرار معماری دفاعی اوراتویی در منطقه باشد. با توجه به کمبود آثار دوره هخامنشی در این محدوده جغرافیایی از سرزمین ایران، یافته‌های بدست آمده از این محوطه می‌تواند در روشن ساختن برخی از ابهامات موجود در گاهنگاری و ویژگی‌های فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دوره هخامنشی راهگشا باشد.

### موقعیت جغرافیایی و شرایط محیطی قلعه قوناق قیران

قلعه قوناق قیران به فاصله ۲۸ کیلومتری شمال غربی شهر اردبیل و ۶۰۰ متری شمال روستای رویندرزوق (قوناق قیران) و در مختصات عرض جغرافیایی  $38^{\circ} 26' 48''$  و طول جغرافیایی  $48^{\circ} 5' 28''$  واقع شده است. این قلعه در سال ۱۳۸۲ با شماره ۹۴۲۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. روستای قوناق قیران از دهستان غربی بخش مرکزی شهرستان اردبیل بوده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۲۰ متر و آب و هوای آن سرد و خشک و منطقه‌ای پاکوهی محسوب می‌شود. رود شیخ احمد که از کوه سبلان سرچشمه گرفته، از شمال و شرق محوطه گذشته و به رود قره‌سو می‌ریزد. کار و پیشه مردمان روستا کشاورزی، باغداری و دامداری است. قلعه قوناق قیران بر بالای یک کوه کم‌ارتفاع قرار دارد و رود قره‌سو از سه جهت شمال، شمال شرقی و غرب این قلعه را دربر گرفته است (تصویر ۱). ارتفاع قلعه از سطح دریاهای آزاد ۱۳۰۰ متر است و وسعتی در حدود ۴۹ هکتار دارد. در اطراف این قلعه محوطه‌ها و قلاع دیگری مربوط به دوره‌های مختلف وجود دارد که عبارتند از: قلعه خسرو، گورستان قلعه خسرو، قلعه شوش داغی با آثاری از عصر مفرغ جدید و عصر آهن I.

۱- باید اذعان داشت در بررسی روشمند سفال‌های باروی تخت جمشید نیز عملیات بررسی در راستای این اهداف انجام گرفته است. به منظور دسترسی به اطلاعات بیشتر رک به: عطایی، ۱۳۸۳.

### هدف فنی

روش‌های مختلفی برای نمونه‌برداری روشمند در بررسی‌های باستان‌شناختی رایج است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: روش نمونه‌برداری اتفاقی ساده، اتفاقی روشمند، اتفاقی طبقه‌بندی شده، روشمند طبقه‌بندی شده. در میان این روش‌ها ما شیوه نمونه‌برداری روشمند (سیستماتیک) را انتخاب کردیم. دلیل انتخاب این روش در این است که در آن خطاهای احتمالی روش‌های نمونه‌برداری اتفاقی وجود ندارد (Derwett, 1999: 44). الگوی طبقه‌بندی شده نیز در مورد محوطه‌هایی استفاده می‌شود که دارای بخش‌های متفاوت و مجزایی هستند (Orton, 2000: 539-542).

### هدف آماری

نمونه‌برداری با یاری جستن از روش‌های آماری، سبب از میان رفتن هرگونه تبعیض و تمایل فردی شخص نمونه‌بردار (مانند تمایل به گردآوری سفال‌های منقوش، سکه، سفال‌های لعاب‌دار و ...) می‌شود. برای تحلیل داده‌های باستانی با روش‌های آماری، گمان بر این است که اگر نمونه‌های مورد مطالعه به گونه‌ای روشمند گردآوری شوند، همه مواد پراکنده در سطح مکان باستانی شانس نمایندگی در مجموعه را خواهند داشت. در این بررسی‌ها، گردآوری نمونه‌ها باید چنان انجام شود که روش‌های آماری برای آن‌ها قابل استفاده بوده و نیز اندازه نمونه متناسب با روش‌های آماری مورد نظر باشد. در پایان باید متذکر شویم که روش‌های آماری گردآوری سفال بیشتر برای کمبود بودجه و زمان ناکافی که اغلب قریب به اتفاق باستان‌شناسان دنیا با آن روبرو هستند ابداع شده است (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۱-۱۹۰).

### هدف فرهنگی

تولید فراوان و مداوم سفال همیشه با دگرگونی‌ها و نوآوری‌های بسیار در جنبه‌های فیزیکی، شیمیایی، تزئینی و کاربردی آن همراه بوده است. شناخت نوع گل، ناخالصی‌ها و ماده چسپاننده (شاموت) و نحوه پخت سفال با جنبه‌های فناورانه و کاربردی آن ارتباط مستقیمی داشته است (مجیدزاده، ۱۳۸۱: ۴). علاوه بر این موارد باید مواد و کیفیت ترکیب آن‌ها درباره رنگ ریزه‌های

سفال منقوش و لعاب‌دار و همچنین نحوه بکارگیری ابزارهایی که جهت تزئین سفال‌ها مثلاً سفال‌های داغدار، صیقلی و ... به کار می‌رود را به جنبه‌های فناورانه تولید سفال افزود (هول، ۱۳۸۰: ۲۵).

باید اذعان داشت پرسش‌ها و ابهامات تاریخی و فرهنگی فراوانی در مورد مناطقی از شمال غرب ایران در دوره هخامنشی وجود دارد مبنی بر اینکه که جزء کدامیک از حوزه‌های سیاسی - اداری و فرهنگی (خشترپاون‌ها) هخامنشیان بوده‌اند، ارمنستان، ماد آتروپاتن یا فریگیای بزرگ؟ آیا با توجه به سیاست‌های هخامنشیان در ابقای سنت‌های فرهنگی هر منطقه، در شمال غرب ایران نیز با استمرار و تأثیرات محلی مواجه هستیم یا قدرت مرکزی<sup>۱</sup>؟ امید است با تحلیل یافته‌های سفالی و معماری محوطه‌هایی مانند قلعه قوناق قیران بتوان به روشن شدن این ابهامات کمک کرد.

### روش تحقیق و بررسی روشمند

بررسی روشمند باستان‌شناختی قلعه قوناق قیران در چهار مرحله انجام شد: ۱- نقشه‌برداری ۲- ایجاد شبکه‌بندی مربعات (کارگاه‌ها) ۳- نمونه‌برداری و ۴- مستندسازی یافته‌ها.

قبل از انجام بررسی و هرگونه فعالیت میدانی تهیه نقشه‌ای که به کمک آن بتوان عوارض طبیعی و باستانی را به نمایش گذاشت لازم و ضروری به نظر می‌رسید. مقیاس انتخابی برای تهیه نقشه توپوگرافیک قلعه قوناق قیران ۱/۱۰۰۰ بود. برای تهیه دقیق نقشه به فاصله هر ده متر به کمک دوربین توتال استیشن نقطه‌گذاری شد که حدود ۱۰۰۰ نقطه مشخص گردید. دو نقطه ثابت A و B به صورت توده سیمانی و میله آهنی ایجاد شد که از آن برای تهیه نقشه و شبکه مربعات استفاده شد. نقطه A در رأس و بالاترین قسمت قلعه و نقطه B در انتهای جهت شمال قلعه ایجاد شد. سپس دو نقطه موقتی دیگر در جهات شرقی و غربی قلعه با دوربین توتال و میخ‌های چوبی مشخص شد. به عبارتی کل سطح قلعه با یک مربع مبتنی بر چهار جهت اصلی (شمالی، جنوبی، شرقی، غربی) تقسیم‌بندی شد. ایجاد شبکه

۱- در این زمینه رک به: (بریان، ۱۳۸۵، صص ۱۲۰۷-۱۲۰۵).

خشکه‌چین ساخته شده و هیچ گونه شواهدی مبتنی بر استفاده از ملاط در ساخت دیوار دفاعی دیده نمی‌شود. روش احداث دیوار دفاعی قلعه به این صورت بوده که جداره بیرونی از سنگ‌های بزرگ و متوسط تراش خورده ساخته شده و در جداره داخلی بیشتر از سنگ‌های متوسط استفاده شده است. سنگ‌ها معمولاً به صورت افقی و در برخی موارد به صورت عمودی قرار گرفته‌اند. مرتفع‌ترین بخش باقیمانده آن دیوار غربی بوده که ارتفاع آن حدود ۲/۳۰ متر و ضخامت آن حدود ۱ متر است. گفنتی است دیوار دفاعی قلعه با برج‌هایی تقویت شده (پلان ۱) (تصویر ۲).

**برج‌های قلعه:** در طول دیوار دفاعی قلعه و در سه جهت آن آثار باقیمانده برج‌های نیم‌دایره‌ای به چشم می‌خورد. آثار ۱۳ برج در امتداد دیوارهای غربی، جنوب، جنوب غربی و شرقی قلعه باقیمانده است که ۹ عدد از این برج‌ها در امتداد دیوارهای جنوبی، جنوب غربی و غربی و ۴ عدد در امتداد دیوار شرقی قلعه واقع شده‌اند. این برج‌ها از نظر ابعاد نیز تفاوت‌هایی با هم دارند. مصالح بکار رفته در برج‌ها سنگ‌های متوسط و کوچک بدون تراش است که به صورت خشکه‌چین بر روی هم قرار گرفته‌اند. ابعاد و مساحت این برج‌ها متغیر است. البته لازم به ذکر است که این برج‌ها حالت فرو ریخته داشته و فقط آثار بسیار کمی از تعدادی از آن‌ها برجای مانده و به همین دلیل به دست آوردن ابعاد واقعی آن‌ها مشکل است. با این حال بزرگ‌ترین برج (برج شماره ۹) با مساحتی در حدود ۲۳۱/۱۵ متر مربع و کوچک‌ترین برج، (برج شماره ۴) با مساحتی در حدود ۵۹/۱۴ متر مربع است. سالم‌ترین برج باقی مانده، برج شماره ۴ با ارتفاعی در حدود ۱/۵۰ متر است. گفنتی است که این برج‌ها در امتداد دیوارها در فواصلی متفاوت از یکدیگر قرار گرفته‌اند (نقشه ۱ و ۲) (جدول ۱) (تصویر ۳).

**دروازه قلعه:** دروازه و درب اصلی قلعه در ضلع شمالی و مشرف بر پرتگاه و دره‌ای عمیق بوده که دسترسی به آن تقریباً غیرممکن بوده است. امروزه از این دروازه تنها دو قطعه سنگ بسیار بزرگ (جرزهای دو طرف دروازه) تقریباً استوانه‌ای شکل با ارتفاع ۲/۷۰ متر باقی مانده است. عرض این دروازه ۶/۸۴ متر

مربعات، از نقطه A آغاز شد. این نقطه مبنای ایجاد شبکه مربعات بود. اضلاع هر مربع ۱۰×۱۰ متر در نظر گرفته شد. در مجموع در سطح قلعه و زمین‌های پیرامونی که حاوی آثار فرهنگی بود، ۴۹۲ مربع و کارگاه ایجاد شد. برای نام‌گذاری کارگاه‌ها اضلاع شرقی و غربی شبکه مربعات از چپ به راست با اعداد انگلیسی از ۱ تا ۳۰ و اضلاع جنوبی و شمالی با حروف الفبای انگلیسی نام‌گذاری شدند. به دلیل تعداد بیشتر ردیف مربعات، حروف دوباره تکرار شدند. در پایان هر یک از این مربعات به چهار قسمت کوچک‌تر (A، B، C و D) تقسیم کردیم. پس از تقسیم‌بندی سطح محوطه به کارگاه‌های ۱۰×۱۰ متر، هدف ما بررسی و مطالعه ۲۵٪ داده‌های فرهنگی داخل کارگاه‌های سطح قلعه بود، بنابراین بعد از تعیین کارگاه‌ها، سفال‌ها و دیگر یافته‌های سطحی یک چهارم (۲۵٪) مشتمل بر ۴۸۳ مربع نمونه‌برداری شد، تعداد کل داده‌های فرهنگی جمع‌آوری شده ۴۳۳۱ قطعه سفال بود (نقشه ۲ و ۳).

مستندسازی درست و کامل یافته‌ها دارای اهمیت بسیار بالایی است زیرا پایه و اساس اعتبار تمامی تحلیل‌های بعدی است. ثبت وضبط نمونه‌های جمع‌آوری شده در ۶ مرحله صورت گرفت: ۱- شستشوی نمونه‌ها ۲- پشت‌نویسی نمونه‌ها ۳- ثبت اطلاعات نمونه‌ها ۴- گزینش نمونه‌های شاخص ۵- طراحی نمونه‌های شاخص ۶- عکاسی نمونه‌های شاخص.

### یافته‌های معماری

قلعه قوناق قیران بر بالای کوهی بسیار صعب‌العبور واقع شده و از سه طرف مشرف بر پرتگاه‌های عمیق بوده و تنها از سمت جنوبی دارای شیب نسبتاً ملایمی است. این قلعه مانند سایر قلاع کوهستانی فاقد شکل هندسی منظم بوده و دارای امتداد شمالی - جنوبی است. از بنای قلعه، امروزه تنها آثاری اندک از دیوار قلعه، برج‌ها، دروازه و آب انباری باقی مانده و متأسفانه در آن حفاری‌های غیر مجازی توسط قاچاقچیان و غارتگران اشیاء عتیقه صورت گرفته است (نقشه ۳).

**دیوار قلعه:** از دیوار دفاعی این قلعه تنها بخش‌هایی در ضلع جنوبی و جنوب غربی و تا حدودی ضلع شرقی باقی مانده است. تمامی دیوار دفاعی از تخته‌سنگ‌های بزرگ و متوسط و به شیوه

داده‌های بدست آمده و ... تأثیرگذار خواهد بود (Orton *et al.*, 2001: 76-80). هر اثری مشخصات آشکار و پنهان فراوانی دارد که قابل طبقه‌بندی شدن است (این مشخصات را صفات یا ویژگی می‌نامند). این ویژگی‌ها با یکدیگر تفاوت دارند و باستان‌شناسان از این ویژگی‌های متفاوت (موسوم به متغیر) برای طبقه‌بندی آثار خود استفاده می‌کنند (دارک، ۱۳۷۹: ۹۶). به هنگام طبقه‌بندی فرآورده‌های ملموس باستان‌شناختی، از جمله سفال، باید تفاوت‌ها و همانندی‌های میان اشیاء مورد بحث به روشنی در گروه‌های گوناگونی که متمایز می‌گردند مشهود باشد؛ به گونه‌ای که برای تشخیص آسان یک گروه از دیگری نیاز به توضیح بیشتری نباشد. منطقی است که انتظار داشته باشیم که هیچ دو گروهی از میان اشیاء طبقه‌بندی شده در معیار اصلی و مهم با یکدیگر مشترک نباشند (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۷۵).

#### طبقه‌بندی یافته‌های سفالی

یافته‌های سفالی سطح محوطه قوناق قیران براساس معیارهای ذیل طبقه‌بندی و مورد تحلیل و آمارگیری قرار گرفتند: ۱- طبقه‌بندی براساس نوع قطعات سفال (جدول ۲ - نمودار ۱)، ۳- طبقه‌بندی براساس کیفیت ساخت (جدول ۳ - نمودار ۲)، ۴- طبقه‌بندی براساس شیوه ساخت (جدول ۴ - نمودار ۳)، ۵- طبقه‌بندی براساس نوع آمیزه (جدول ۵ - نمودار ۴)، ۶- طبقه‌بندی براساس میزان پخت (جدول ۶ - نمودار ۵)، ۷- طبقه‌بندی براساس رنگ خمیره‌ها (جدول ۷ - نمودار ۶)، ۸- طبقه‌بندی براساس رنگ پوشش جداره بیرونی و درونی سفال‌ها (جدول ۸ و ۹ - نمودارهای ۷ و ۸)، ۹- طبقه‌بندی براساس نوع پوشش سفال‌ها (جدول ۱۰ - نمودار ۹) و ۱۰- طبقه‌بندی براساس تزیین سفال‌ها (جدول ۱۱ - نمودار ۱۰).

#### تحلیل و برآیند

منطقه شمال غرب ایران در دوران تاریخی ماد، هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی شاهد رویدادهای سیاسی مختلفی

مربع است و کف آن با تخته‌سنگ‌هایی پوشیده شده است (تصویر ۴).

**آب انبار (حوضچه):** در سطح قلعه آب انباری با سنگ‌های متوسط و کوچک ساخته شده که در اثر گذشت ایام ویران شده و امروزه بقایایی از دیوار آن باقی مانده که دارای پلانی مستطیل شکل به ابعاد  $۵/۸۸ \times ۲۰/۳۴$  متر مربع است.

#### یافته‌های سفالی

قلعه قوناق قیران از معدود محوطه‌های مربوط به دوره هخامنشی در استان اردبیل است. این قلعه بزرگ‌ترین استقرار دارای ظروف منقوش مثلی مربوط به دوره هخامنشی در دشت اردبیل است که تا این زمان مورد بررسی قرار گرفته. پس از تعیین کارگاه‌های سطح محوطه، یک چهارم (۲۵٪) سفال‌ها و دیگر یافته‌های سطحی مشتمل بر ۴۸۳ مربع نمونه‌برداری شد. تعداد کل داده‌های فرهنگی جمع‌آوری شده ۴۳۳۱ قطعه سفال است. از آنجایی که هدف اصلی این پروژه شناخت ویژگی‌های ظروف منقوش مثلی بود، پس از طبقه‌بندی سفال‌ها و گزینش نمونه‌های شاخص، مطالعه و مقایسه تطبیقی آن‌ها با دیگر محوطه‌های هم‌زمان در داخل و خارج ایران انجام شد (جدول ۱۲). مهم‌ترین ویژگی‌های ظروف منقوش مثلی به شکل کاسه‌های زاویه‌دار کم‌عمق یا گود، استفاده از نقوش خطوط ساده، مثلث‌های آویزان توپر و توخالی و هاشورهای متقاطع به رنگ‌های قهوه‌ای، قرمز و نارنجی به ویژه بر سطح بیرونی یا داخلی لبه و سطح صیقلی است. فرم ظروف بیشتر کاسه‌های لاله‌ای است (لوح ۱). از این قلعه همچنین سفال‌های سبک اردبیل و سفال‌های لعاب‌دار با لعاب سبز متعلق به دوره سلجوقی بدست آمد که نشانگر توالی استقرار در آن است.

#### معیارهای طبقه‌بندی سفال

طبقه‌بندی سفال را می‌توان به شیوه‌های گوناگونی چون طبقه‌بندی بر اساس فرم و شکل، کارکرد، میزان پخت، تزیینات، رنگ و پرداخت ظاهری، لعاب، تکنیک ساخت و ... انجام داد. در انتخاب هر کدام از این شیوه‌ها عواملی چون سنت‌ها و سبک‌های سفالگری منطقه، اهداف پژوهش، نوع و میزان

۱- برای جلوگیری از اطاله کلام و شرح و توصیف ویژگی‌های جزئی نمونه‌های سفالی رک به جدول‌ها و نمودارهای انتهای متن.

عناصر دفاعی مثل برج یا پشت‌بند و نحوه استقرار آن‌ها در دیوار قلاع نیز گونه‌های مختلفی داشت. البته در تمامی قلاع از این عناصر دفاعی استفاده می‌شده ولی در مورد اینکه برآمدگی‌ها برج بوده‌اند و یا پشت‌بند، جز در مورد برج‌هایی که در گوشه‌ها و اطراف دروازه‌های قلاع قرار گرفته و کاملاً برای دیده‌بانی بوده‌اند، نمی‌توان به طور یقین نظر داد، زیرا برج‌ها وظیفه دفاعی داشته‌اند و از ارتفاع دیوار بالاتر بوده‌اند، در صورتی که پشت‌بندها عناصر تقویت‌کننده معماری بوده و ارتفاع آن‌ها از ارتفاع دیوار تجاوز نمی‌کرده است. با این وجود دیوار قلاع اورارتویی و انواع عناصر معماری موجود در آن‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱- دیوارهای بدون عناصر دفاعی و تقویتی، ۲- دیوارهای دارای برج و پشت‌بند متناوب، ۳- دیوارهای شامل برج و پشت‌بند دو طرفه متقابل یا متناوب و ۴- دیوارهای شامل برج یا پشت‌بند با فواصل مساوی. گفتنی است که در برخی از قلاع از گونه‌های مختلف دیوارچینی استفاده شده و یک گونه معین مختص یک محدوده زمانی و مکانی خاص نبوده است (هژبری نویری، ۱۳۸۲: ۴۱-۳۴). افزایش شمار دژهای نظامی اورارتویی در شمال غرب ایران از اواسط قرن ۸ پ.م. منجر به شکل‌گیری شیوه‌های جدیدی در جنگ‌های باستان گردید و اثرات زیادی در ساختار ارتش و هزینه‌های مالی جنگ‌ها نهاد. فرمانروایی اورارتو با ایجاد چنین استحکاماتی و به یاری شرایط کوهستانی سرزمینش توانست به عنوان دشمن و رقیب اصلی امپراتوری آشور مطرح شود (حاجی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۲۴). در دوره هخامنشی نیز منطقه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و نتایج کاوش‌های چند دهه اخیر نشان از تعاملات فرهنگی فراوانی میان سرزمین‌های داخلی ایران و مناطق بالادست (قفقاز جنوبی) دارد!

یافته‌های معماری برجای مانده در محوطه قوناق قیران از قبیل باروی سنگی، برج‌های دفاعی و دروازه سنگی و شرایط توپوگرافیک، گواهی بر کاربرد آن به عنوان یک قلعه مسکونی - نظامی با استحکامات دفاعی است. باروی قلعه بر روی پستی و بلندی‌ها و شیب سطح محوطه ایجاد شده است. مصالحی که در

بوده است. این منطقه در تعاملات سیاسی و فرهنگی دوران تاریخی مذکور به عنوان یک حلقه ارتباطی میان سرزمین‌های ارمنستان، شرق آناتولی، شمال بین‌النهرین با سرزمین‌های ایران غربی، مرکزی و حتی شرقی (هکاتوم پیلوس) عمل می‌کرده است. برخی معتقدند که به دلیل روابط تنگاتنگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بخش‌های مختلف شمال غرب ایران (ماد آتروپاتن)، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، تاریخ سیاسی ایران بدون اشاره به آذربایجان، ارمنستان و گرجستان فهم پذیر نیست (Hewsen, 2001؛ لانگ، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۹) (نقشه ۱).

برهمکنش‌های فرهنگی در شاخصه‌ها و عناصر فرهنگ مادی چون سفال، معماری، تدفین و غیره ظهور یافته است. گستردگی شاخصه‌های فرهنگی شمال غرب ایران در دوره اوراتو نسبت به دیگر دوره‌های پسین‌تر تاریخی (هخامنشی، سلوکی و اشکانی) و تأثیرات فرهنگی اوراتو بر دوره پس از خود (هخامنشی) در این منطقه، می‌تواند در مطالعه یافته‌های باستان‌شناختی دوره هخامنشی منطقه راهگشا باشد. در بررسی روشمند یافته‌های باستان‌شناختی سطح محوطه قلعه قوناق قیران تأثیرات فرهنگی اوراتو در محوطه کاملاً مشهود بود.

### یافته‌های معماری

شمال غرب ایران با چنان ناهمواری‌ها و آب و هوای متغیر، نیازمند معماری مسکونی و دفاعی سازگار با شرایط محیطی و سیاسی بوده است. مرتفع‌ترین نقاط که از نظر دفاعی ارزش والایی را حائز بودند و برای قلعه مناسب تشخیص داده می‌شدند، شناسایی و قلعه بر آن‌ها ساخته می‌شد. نمونه بارز این قلعه‌ها را در دوره اورارتویی می‌توان مشاهده کرد. در طراحی قلعه‌های اورارتویی هیچ الگو و نظم مهندسی معینی وجود نداشته و معماران اورارتویی از امکانات زمین و توپوگرافی تپه استفاده کرده‌اند. در شکل قلاع اورارتویی و طرز استفاده و نحوه استقرار عناصر دفاعی در دیوار اختلافاتی به چشم می‌خورد. در سنگ‌چینی دیوارهای دفاعی این قلاع از روش‌های مختلفی استفاده می‌شده است. از قبیل: ۱- خرسنگی یا سیکلوپین (نامنظم)، ۲- چندضلعی یا پولیگونال، ۳- ذوزنقه‌ای یا تراپزوییدال، ۴- چهارگوش منتظم یا رکتانگولار. طرق استفاده از

منقوش این دوره شامل ظروف مثلثی غربی، ظروف دورنگ با پوشش گلی به رنگ کرم، ظروفی با خطوط قهوه‌ای و ظروف مثلثی نوع کلاسیک هستند. کرول می‌گوید: تولید این ظروف به یقین پس از انقراض شاهنشاهی اورارتوها آغاز شده است. او می‌گوید که استقرار حسنلو III B از قرن ۸ ق.م. تا دوره هخامنشی تداوم داشته است. وی معتقد است تولید ظروف مثلثی در اواخر III B آغاز شده است. از زمان ابداع واژه ظروف مثلثی، سایر باستان‌شناسان، حوزه اطلاق آن را به طیف گسترده‌ای از فرم‌ها و تولیدات سفالی کاملاً متفاوت که تزئیناتی به شکل نقش‌های مثلثی داشتند، بسط داده‌اند و در واقع بیش از آنکه به نوعی ظرف دلالت کند به یک سبک دلالت دارد. در باب این بحث که زمان پیدایش ظروف مثلثی را با تمامی انواع آن باید در چارچوب دوره هخامنشی بدانیم توافق کلی وجود دارد. هم‌اکنون در نتیجه تجدید نظر عمده‌ای که در باب ظروف مثلثی حسنلو به عمل آمده قدمت آن از دوره III B به دوره III A تغییر یافته است. مهم‌ترین ویژگی‌های ظروف منقوش مثلثی به شکل کاسه‌های زاویه‌دار کم‌عمق یا گود، سطح بسیار براق (بیش از صیقل کامل)، لبه‌هایی با ضخامت بسیار کم و رنگ اصلی خرمایی روشن یا نخودی (که در برخی موارد تا رسیدن به رنگ نارنجی پخته شده)، استفاده از نقوش خطوط ساده، مثلث‌های آویزان توپر و توخالی و هاشورهای متقاطع به رنگ‌های قهوه‌ای، قرمز و نارنجی به ویژه بر سطح بیرونی یا داخلی لبه و سطح صیقلی است. فرم ظروف بیشتر کاسه‌های لاله‌ای است.

در کاوش‌های مختلف منطقه شمال غرب ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان یک نوع سفال یک رنگ بدست آمده که با عنوان سفال سبک اردبیل شناخته می‌شود. این نوع سفال تقریباً همگام و هم‌زمان با سفال منقوش مثلثی بوده و شاخص شمال غرب ایران از دوره هخامنشی تا اوایل دوره اشکانی (قرن دوم ق.م.) است. تزئینات این نوع سفال اساساً هندسی است. نقوش اصلی آن شامل مثلث‌های ساده، هاشور زده یا توپر، نقوش بادبانی، لوزی‌های هاشور زده و خطوط موازی است. دایسون در سال ۱۹۶۵ م. به وجود سفال‌های منقوش در ناحیه اردبیل اشاره کرده و آن‌ها را با آثار یافته شده از حسنلوی III و

ساخت دیوار به کار گرفته شده سنگ‌های تراش خورده چندضلعی و سنگ‌های نامنظم است. در طول دیوار قلعه از عناصری شبیه برج و پشت‌بند استفاده شده است که با توجه به شیب تند سطح محوطه به احتمال زیاد تعداد زیادی از آن‌ها به عنوان پشت‌بند و عامل تقویتی دیوار قلعه بوده‌اند. گفتنی است فواصل یکسانی نیز میان آن‌ها رعایت نشده است. دروازه قلعه با توجه به تدابیر امنیتی و شرایط استراتژیکی در محلی تعبیه شده که مشرف بر شیب تند تپه بوده است. شیب تند جلوی ورودی اصلی قلعه برای دشمنان و مهاجمانی که قصد تصرف این قلعه را داشته‌اند محدودیت‌ها و موانعی را ایجاد می‌کرده است از قبیل: عدم استفاده از ابزارهای جنگی سنگین مانند قلعه کوب، عدم تراکم زیاد سربازان دشمن در مقابل دروازه اصلی، اشراف کامل نیروهای نظامی داخل قلعه بر نیروهای مهاجم و دفاع سهل‌تر از قلعه و جز آن.

بی‌شک معماری دفاعی این قلعه که منتسب به دوره هخامنشی است تأثیر زیادی از معماری دفاعی اورارتویی شمال غرب ایران و حتی ارمنستان گرفته. این قلعه نیز می‌تواند یکی از قلاع دوره اورارتویی باشد که در دوره هخامنشی و حتی عصر یونانی‌مآبی (سلوکی و اشکانی) مورد استفاده مجدد قرار گرفتند. نمونه‌های چنین قلاعی با کاربری مجدد در دوره‌های بعد از اورارتو، در مناطقی از آذربایجان ایران و ارمنستان مشاهده می‌شود!

### یافته‌های سفالی

در بررسی سطحی محوطه قوناق قیران تعداد زیادی سفال منقوش موسوم به مثلثی به دست آمد که نشان از فرهنگ مادی هم‌زمان با تحولات سیاسی اواسط یا نیمه دوم قرن هفتم ق.م. و برچیده شدن حکومت اورارتوها از آذربایجان دارد. این سفال‌ها هم‌زمان با دوره II/III A حسنلو و مربوط به اواخر دوره هخامنشی/اوایل هلنی هستند. این ظروف را اولین بار رابرت دایسون کشف کرد و آن‌ها را ظروف مثلثی نامید. ظروف

۱- به منظور دسترسی به اطلاعات بیشتر در این زمینه رک به ( Smith & Kafadarian, 1996; Kroll, 2004: 45-53; Khatchadourian, 2007; Kuntner & Heinsch, 2010).

به بدنه ظروف هستند. معیار دیگر طبقه‌بندی بر اساس کیفیت ساخت (ظریف، متوسط و خشن) است. ۵۵/۶۰ درصد از تکه سفال از نوع ظریف هستند که نشانگر سفال‌های اشرافی و صنعتی و متعلق به یک جامعه پیچیده فرهنگی است. از آنجایی که بخش عمده‌ای از سفال‌ها با تأثیرات فرامنطقه‌ای در این گروه قرار می‌گیرند، به گونه‌ای می‌تواند نشانگر نوع کاربری و اهمیت محوطه قوناق قیران نیز باشد. یکی دیگر از معیارهای طبقه‌بندی، شیوه ساخت سفال (چرخ‌ساز، دست‌ساز و نامعلوم) است. ۹۸/۷۷ درصد نمونه‌های سفالی چرخ‌ساز هستند. یافته‌های سفالی در نوع آمیزه (ماسه ریز، ماسه متوسط و ماسه درشت) به کار گرفته شده در بطن سفال نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند و بخش عمده‌ای از نمونه‌های سفالی آمیزه ماسه ریز دارند که اکثراً در ظروف ظریف به کار گرفته شده‌اند. پخت سفال نیز می‌تواند معیاری در تفکیک و طبقه‌بندی گونه‌های سفالی قوناق قیران باشد. ۹۹/۸۸ درصد یافته‌های سفالی دارای پخت کافی هستند که خود گواهی بر پیشرفت فرهنگ سفالگری منطقه است.

شاید مهم‌ترین معیارها در طبقه‌بندی سفال، رنگ خمیره، رنگ پوشش جداره بیرونی و درونی هستند. بخش عمده‌ای از رنگ سفال در این سه گروه نخودی است، ولی تفاوت‌ها و تنوع زیادی به صورت جزئی مشاهده می‌شود. این تنوع می‌تواند در اثر نوع خاک، آمیزه و حتی تکنیک پخت سفال باشد. امید است در آینده با آنالیزهای شیمیایی بتوان پاسخ علمی‌ای برای این تنوع ارائه کرد. از معیارهای مهم دیگری که در طبقه‌بندی نمونه‌های سفالی محوطه در نظر گرفته شد، نوع پوشش و تزئینات سطحی سفال است. ۹۷/۸۰ درصد نمونه‌های سفالی دارای پوشش گلی رقیق هستند، پوششی رایج در سفالگری دوران تاریخی مناطق مختلف ایران فرهنگی. ۹۶/۴۹ درصد نمونه‌های سفالی بدون تزئین و نقش هستند ولی با این وجود تعداد قابل توجهی از نمونه‌ها نیز دارای نقوش هندسی و معروف «مثلثی» هستند که شاخص دوران هخامنشی است.

در پایان تصویرها و طرح‌هایی (لوح ۱ و جدول ۱۲) از پنج گونه سفال‌های شاخص محوطه قوناق قیران به عنوان نمونه، مورد تشریح و مطالعه تطبیقی قرار گرفت. این پنج نمونه در قالب سفال‌های «منقوش مثلثی غربی» شمال غرب ایران جای

به ظن غالب به حسنلوی IIIA که مربوط به دوره هخامنشی است مرتبط می‌داند. از دید دایسون این ظروف شکل تکامل یافته ظروف مثلثی هستند. این ظروف در فرم‌های متنوع و عمدتاً بشقاب‌های کم‌عمق بالبه‌های برگشته، کاسه‌هایی با فرم‌های زاویه‌دار یا نسبتاً زاویه‌دار، تنگ‌هایی با دسته عمودی و آبریز عمودی برگ شبدری و ریتون - آمفوراهای تک‌لوله‌ای و دولوله‌ای دیده می‌شوند. در حال حاضر آمفوراهای تک‌لوله‌ای و دولوله‌ای عمده‌ترین منبع در تعیین قدمت این سبک سفالی به شمار می‌روند زیرا ساخت این سفال‌ها با دوره هخامنشی آغاز شده است. یافته‌های به دست آمده از کاوش‌های جمهوری آذربایجان در محوطه‌های مینگه چویر و کورچای (تصویر ۵) که در میان آن‌ها ظروف منقوش تقریباً مشابهی یافت شده این فرضیه را تأیید می‌کند.

ظروف مثلثی و ظروف منقوش اردبیل عمدتاً گونه‌های متفاوتی در یک دوره واحد هستند که هر کدام به منطقه متفاوتی تعلق دارند. ظروف مثلثی (از لحاظ نقش و فرم زاویه‌دار) عمدتاً در بخش‌های جنوب، غرب و شمال غرب آذربایجان، ارمنستان، شمال کردستان و شرق ترکیه دیده می‌شود<sup>۱</sup> و ظروف اردبیل شاخصه مناطق شمال شرق و غرب آذربایجان است. از یاقیق تپه هم ظروف اردبیل و هم ظروف مثلثی یافت شده است. لذا این محوطه نقطه تلاقی این دو سبک سفالی است و بدین ترتیب مرز جنوب غربی سفال‌های اردبیل و مرز شمال شرقی ظروف مثلثی را شکل می‌دهد. پس نتیجه می‌گیریم که ظروف مثلثی اندکی قبل از ظروف سبک اردبیل ساخته شده اما به نظر می‌رسد که سفال منقوش سبک اردبیل ویژه و مشخصه دوره هخامنشی باشد که احتمالاً ساخت آن تا دوره اولیه اشکانی یعنی تا سده دوم پیش از میلاد ادامه داشته است. از نظر تزئینات نیز تأثیر ظروف مثلثی روی سفال‌های سبک اردبیل دیده می‌شود.

در طبقه‌بندی یافته‌های سفالی محوطه قوناق قیران معیارهایی در نظر گرفته شد. نخستین معیار طبقه‌بندی بر اساس نوع قطعات (بدنه، لبه، کف، دسته) است. ۷۱/۸۳ درصد تکه سفال‌ها مربوط

۱- برای مطالعه بیشتر رک به: Parker, 1999- Summers, 1993-



علیزاده، عباس، ۱۳۸۰، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*، با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).  
مثلی<sup>۱</sup> است که از دیدگاه دایسون نمونه‌های تکامل یافته آن را در سفال «منقوش سبک اردبیل» اواخر دوره هخامنشی و دوره اشکانی (یا از دیدگاه هرینک دو سبک سفالگری هم‌زمان) می‌توان مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

می‌گیرند که نمونه‌های مشابهی از آن در منطقه بوکان، ترکیه، حسنلوی IIIA، سیمین تپه، تیلکیلیک تپه، قلعه خزرلو و ... به دست آمده است.<sup>۱</sup> نتیجه کلی که بر اساس مطالعه و تحلیل یافته‌های معماری و سفالی محوطه قوناق قیران می‌توان مطرح کرد آشنایی با شاخصه‌های فرهنگی دوره هخامنشی منطقه است. یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های سفالی این محوطه سفال «منقوش

## منابع

### الف) فارسی

فیض‌خواه، محمد، ۱۳۸۳، ظروف مثلی، در: *گزارشهای باستان‌شناسی (۳)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۴۹-۵۴.

آذرنوش، مسعود، ۱۳۷۷، تورنگ تپه (معرفی کتاب لاتین) کاوش‌های ترنگ تپه در دوره ساسانی و اسلامی، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال یازدهم، شماره‌های ۲۱-۲۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۷۷-۷۱.

\_\_\_\_\_ و صمد علیون (مترجمان)، ۱۳۸۸، *باستان‌شناسی آذربایجان از دوره اوراتو تا شروع اشکانی (مجموعه مقالات - گروه مؤلفان)*، تبریز: نشر اختر.

بریان، پی‌یر، ۱۳۸۵، *امپراتوری هخامنشی*، ترجمه ناهید فروغان، جلد دوم، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز و نشر قطره.

لانگ، دیوید م.، ۱۳۸۳، ایران، ارمنستان و گرجستان، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، مترجم حسن انوشه، تهران: نشر امیرکبیر، صص ۶۱۷-۶۴۸.

بهرامی نهادفر، مرتضی، ۱۳۹۲، بررسی و مطالعه آثار دوره هخامنشی قفقاز جنوبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۱، باستان‌شناسی و سفال، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال پنجم، شماره دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۳-۴.

حاجی‌زاده، کریم، ۱۳۷۴، *بررسی استقرارهای اورارتویی در شمال غرب ایران (۹۰۰-۷۰۰ پ.م.)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

نیکنمای، کمال‌الدین، ۱۳۸۴، ارائه مدل برای تخمین بسندگی اندازه نمونه و انتخاب اشکال بهینه پیمایشی در استراتژی بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۲-۱۷۳، دوره ۵۶، صص ۶۰-۴۳.

دارک، کن آر، ۱۳۷۹، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۸۲، نگاهی جدید به معماری دفاعی اوراتو، در: *مجموعه مقالات مطالعات ایرانی*، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، صص ۴۴-۳۱.

عطایی، محمدتقی، ۱۳۸۳، *معرفی سفال هخامنشی حوزه فارس: بررسی روشمند طبقه‌بندی شده باروی تخت جمشید*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

۱- به منظور دسترسی به اطلاعات بیشتر در زمینه ویژگی‌ها و گستره فرهنگی این نوع سفال رک به (فیض‌خواه و علیون، ۱۳۸۸).

۲- رک به (Haerincck, 1978).

(ب) غیرفارسی

ГАЗЫЇЕВ, С. М., 1960, КҮП ГӘБИРЛӘРИ АЛБОМУ, АЗӘРБАЙҶАН ССР ЕЛМЛӘР АКАДЕМИЈАСЫ НӘШРИЈАТЫ БАКЫ.

Derwett, P. L., 1999, *Field Archaeology: An Introduction*, London: UCL Press.

Dusinberre, E. R. M., Satrapal Sardis: Achaemenid Bowls in an Achaemenid Capital, *American Journal of Archaeology*, Archaeological Institute of America, Vol. 103, No. 1, pp. 73-102.

Dyson, R. H. Jr., 1999, Achaemenid painted pottery of Hassanlu IIIA, *Anatolia Studies*, Vol. 149, pp. 101-110.

Haerinck, E., 1978, Painted Pottery of the Ardabil Style in Azerbaijan (Iran), *Iranica Antiqua*, Vol. XIII, pp. 75-92.

Hewsen, R. H., 2001, *Armenia. A Historical Atlas*, The University of Chicago Press, Chicago.

Khatchadourian, L., 2007, Unforgettable Landscape: Attachment to the Past in Hellenistic Armenia, in: *Negotiating the Past in the Past: Identity, Memory and Landscape in Archaeological Research*, Yoffee, N., pp. 43-75, University of Arizona Press, Tucson.

Kroll, S., 2004, Prehistoric Settlement Patterns in the Maku and Khoy: Regions of Iranian Western Azarbaijan, *Proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology: Northwestern Region*, Ed. by M. Azarnoosh, pp. 45-53, Iranian Center for Archaeological Research.

Kuntner, W., & Heinsch, S., 2010, The Ostburg of Aramus: an Uratian and Achaemenid Fortress, *Proceeding of the 6<sup>th</sup> International Congress of the Archaeology of the Ancient Near East: Excavation, Survey and Restoration*, Report on Recent Field Archaeology, Vol. II, Germany, pp. 339-348.

Orton, C., 2000, *Sampling, Inl, Ellis(ed), Archaeological Method and Theory: An Encyclopedia*, Newyork and London, 2000 pp. 539-542.

Orton, C., Tyers, P., & Vince, A., 2001, *Pottery in Archaeology*, Cambridge University Press.

Parker, A., 1999, Northeastern Anatolia: On the Periphery of Empires, *Anatolian Iron Ages, Vol. 4, Proceedings of the Fourth Anatolian Iron Ages Colloquium Held at Mersin, 19-23 May 1997*, *Anatolian Studies*, Vol. 49, pp. 133-141.

Rudolf, H., 2001, *Migration und Kulture transfer*, Gmbt. Bonn.

Smith, A. T., & Kafadarian, K., 1996, New Plans of Early Iron Age and Urartian Fortresses in Armenia: A Preliminary Report on the Ancient Landscapes Project, *IRAN*, Vol. 34, pp. 23-37.

Stronach, D., 1974, Achaemenid village I at susa and the Persian Migration to Fars, *IRAQ*, Vol. 36, pp. 239-252.

Summers, G. D., 1993, Archaeological Evidence for the Achaemenid period in Eastern Turkey, *Anatolian Studies*, Vol. 43, pp. 85-108.

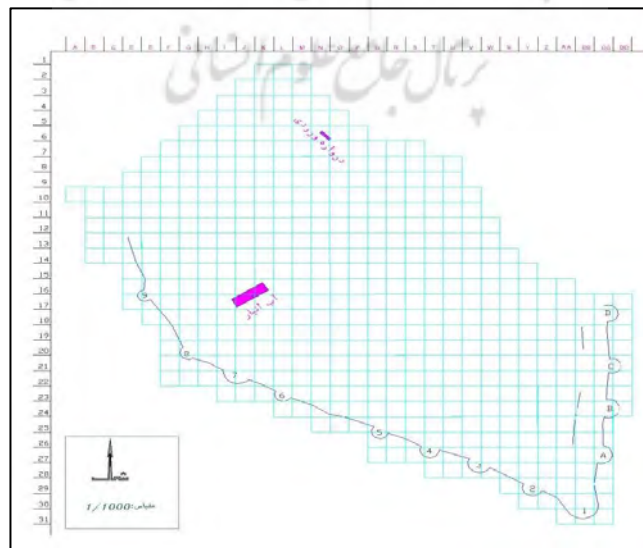
تصاویر



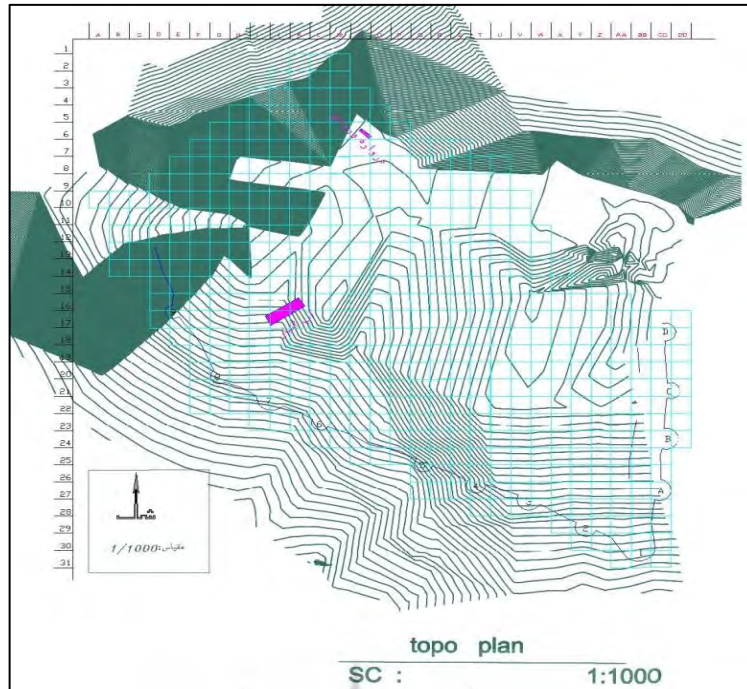
نقشه ۱: نقشه جغرافیای تاریخی ارمنستان بزرگ و مسیرهای تهاجم و مهاجرت اقوام مختلف در طول تاریخ به منطقه ارمنستان (Hewsen, 2001: 15).



تصویر ۱: عکس ماهواره‌ای از قلعه قوناق قیران و آثار پیرامون (WWW.Googlemap.Com).



نقشه ۲: شبکه‌بندی سطح محوطه قلعه قوناق قیران.



نقشه ۳: پلان توپوگرافی قلعه قوناق قیران و موقعیت آثار معماری.

جدول ۱: فاصله برج‌ها از هم دیگر.

شماره برج‌ها	فاصله میان دو برج (مترمربع)	شماره برج‌ها	فاصله میان دو برج (مترمربع)	شماره برج‌ها	فاصله میان دو برج (مترمربع)
۲ و ۱	۳۳/۷	۶ و ۵	۲۸/۲۸	A-1	۳۶/۹۷
۳ و ۲	۲۶/۴۵	۷ و ۶	۲۸/۹۸	B - A	۳۱/۳۹
۴ و ۳	۲۹/۱۳	۸ و ۷	۲۸/۹۸	C - B	۲۹/۳۴
۵ و ۴	۵۷/۱۹	۹ و ۸	۴۴/۵۷	D - C	۳۴/۴۶



پلان ۱: بقایای معماری قلعه قوناق قیران.





تصویر ۲: بقایای دیوار دفاعی (باروی) قلعه قوناق قیران (عکس از نگارندگان).



تصویر ۳: بقایای برج‌های قلعه قوناق قیران (عکس از نگارندگان).



تصویر ۴: بقایای دروازه قلعه قوناق قیران (عکس از نگارندگان).

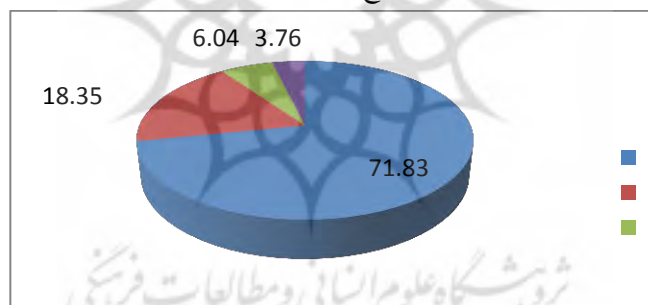


تصویر ۵: مینگه چنور (ГАЗЫЈЕВ, 1960: XI Табло).

جدول ۲: طبقه‌بندی سفال‌ها بر اساس نوع قطعات.

نوع قطعات	بدنه	لبه	کف	دسته
فراوانی	۳۱۱۱	۷۹۵	۲۶۲	۱۶۳
درصد	٪۷۱/۰۸۳	٪۱۸/۰۳۵	٪۶/۰۴۹	٪۳/۰۷۶

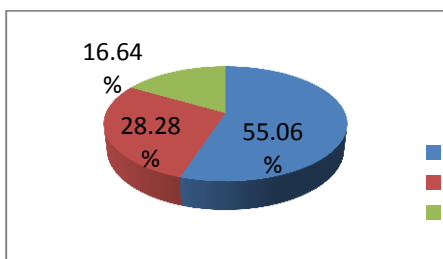
نمودار ۱: فراوانی آماری نوع قطعات سفال‌های قلعه قوناق قیران.



جدول ۳: طبقه‌بندی سفال‌ها بر اساس کیفیت ساخت.

کیفیت ساخت	ظریف	متوسط	خشن
فراوانی	۲۳۸۵	۱۲۲۵	۷۲۱
درصد	٪۵۵/۰۶	٪۲۸/۲۸	٪۱۶/۶۴

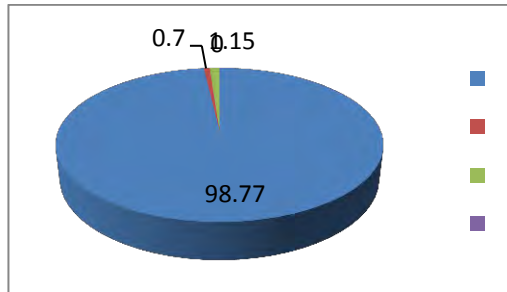
نمودار ۲: فراوانی آماری کیفیت ساخت سفال‌های قلعه قوناق قیران.



جدول ۴: طبقه‌بندی سفال‌ها بر اساس شیوه ساخت.

شیوه ساخت	چرخ‌ساز	دست‌ساز	با ساخت نامعلوم
فراوانی	۴۲۷۸	۳	۵۰
درصد	٪۹۸/۷۷	٪۰/۰۶۹	٪۱/۱۵

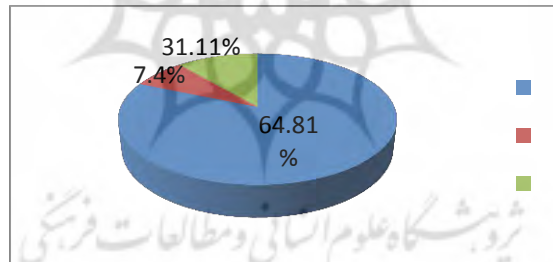
نمودار ۳: فراوانی آماری شیوه ساخت سفال‌های قلعه قوناق قیران.



جدول ۵: طبقه‌بندی سفال‌ها بر اساس نوع آمیزه.

نوع شاموت	ماسه ریز	ماسه متوسط	ماسه درشت
فراوانی	۳۵۳۶	۳۰۵	۴۹۰
درصد	٪۸۱/۶۴	٪۷/۰۴	٪۱۱/۳۱

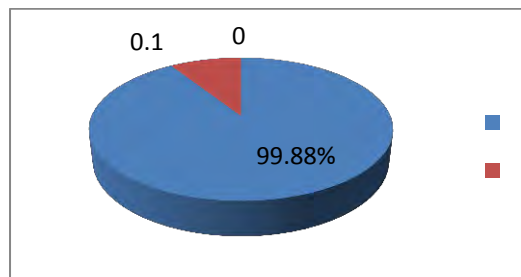
نمودار ۴: فراوانی آماری سفال‌های قلعه قوناق قیران بر اساس نوع آمیزه.



جدول ۶: طبقه‌بندی سفال‌ها بر اساس میزان پخت.

میزان پخت	کافی	ناکافی
فراوانی	۴۳۲۶	۵
درصد	٪۹۹/۸۸	٪۰/۱۱

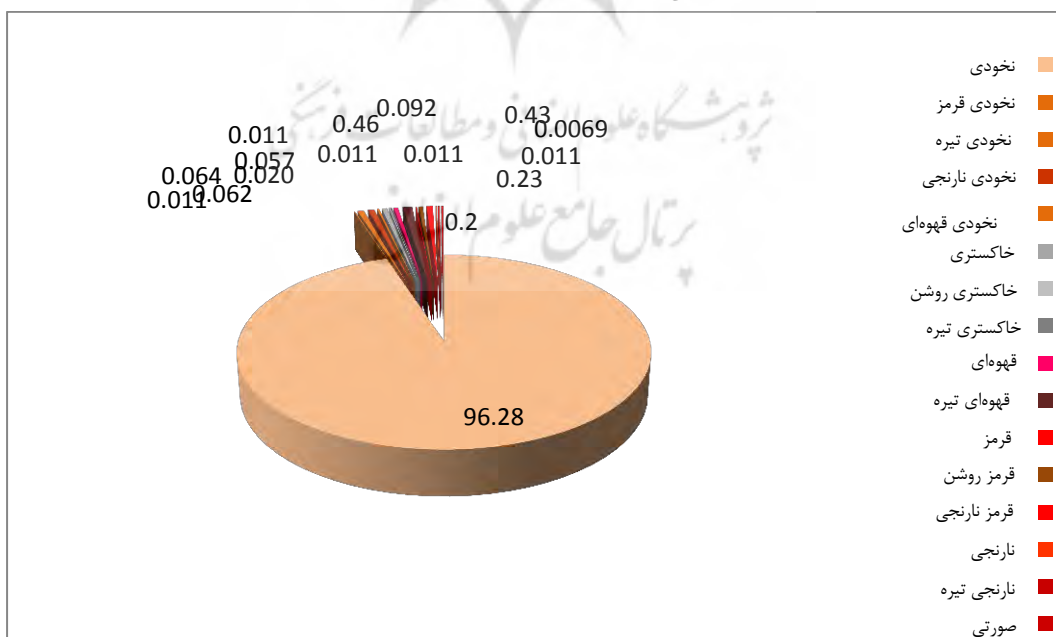
نمودار ۵: فراوانی آماری سفال‌های قلعه قوناق قیران بر اساس میزان پخت.



جدول ۷: طبقه‌بندی سفال‌ها براساس رنگ خمیره.

ردیف	رنگ خمیره	فراوانی	درصد
۱	نخودی	۴۱۷۰	٪۹۶/۲۸
۲	نخودی قرمز	۵	٪۰/۱۱
۳	نخودی تیره	۲۸	٪۰/۶۴
۴	نخودی نارنجی	۲۷	٪۰/۶۲
۵	نخودی قهوه‌ای	۹	٪۰/۲۰
۶	خاکستری	۲۰	٪۰/۵۷
۷	خاکستری روشن	۵	٪۰/۱۱
۸	خاکستری تیره	۸	٪۰/۱۸
۹	قهوه‌ای	۱۹	٪۰/۴۳
۱۰	قهوه‌ای تیره	۴	٪۰/۰۹۲
۱۱	قرمز	۶	٪۰/۱۳
۱۲	قرمز روشن	۲	٪۰/۰۴۶
۱۳	قرمز نارنجی	۳	٪۰/۰۶۹
۱۴	نارنجی	۵	٪۰/۱۱
۱۵	نارنجی تیره	۱	٪۰/۰۲۳
۱۶	صورتی	۱۰	٪۰/۲۳
۱۷	صورتی قرمز	۴	٪۰/۰۹۲

نمودار ۶: فراوانی آماری رنگ خمیره سفال‌های قلعه قوناق قیران.

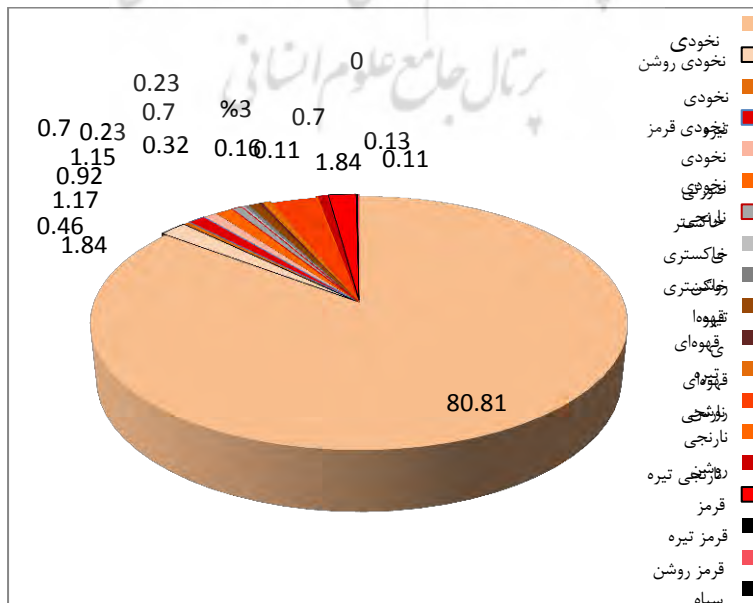




جدول ۸: طبقه‌بندی سفال بر اساس رنگ پوشش جداره بیرونی.

ردیف	رنگ پوشش جداره بیرونی	فراوانی	درصد
۱	نخودی	۳۵۰۰	۸۰/۸۱٪
۲	نخودی روشن	۸۰	۱/۸۴٪
۳	نخودی تیره	۲۰	۰/۴۶٪
۴	نخودی صورتی	۴۰	۰/۹۲٪
۵	نخودی قرمز	۵۰	۱/۱۵٪
۶	نخودی نارنجی	۵۱	۱/۱۷٪
۷	خاکستری	۲۹۰	۶/۶۹٪
۸	خاکستری روشن	۱۰	۰/۲۳٪
۹	خاکستری تیره	۱۴	۰/۳۲٪
۱۰	قهوه‌ای	۳۰	۰/۶۹٪
۱۱	قهوه‌ای تیره	۱۰	۰/۲۳٪
۱۲	قهوه‌ای روشن	۷	۰/۱۶٪
۱۳	نارنجی	۱۳۰	۳٪
۱۴	نارنجی روشن	۵	۰/۱۱٪
۱۵	نارنجی تیره	۳	۰/۰۶۹٪
۱۶	قرمز	۸۰	۱/۸۴٪
۱۷	قرمز روشن	۶	۰/۱۳٪
۱۸	قرمز تیره	۰	۰
۱۹	سیاه	۵	۰/۱۱٪

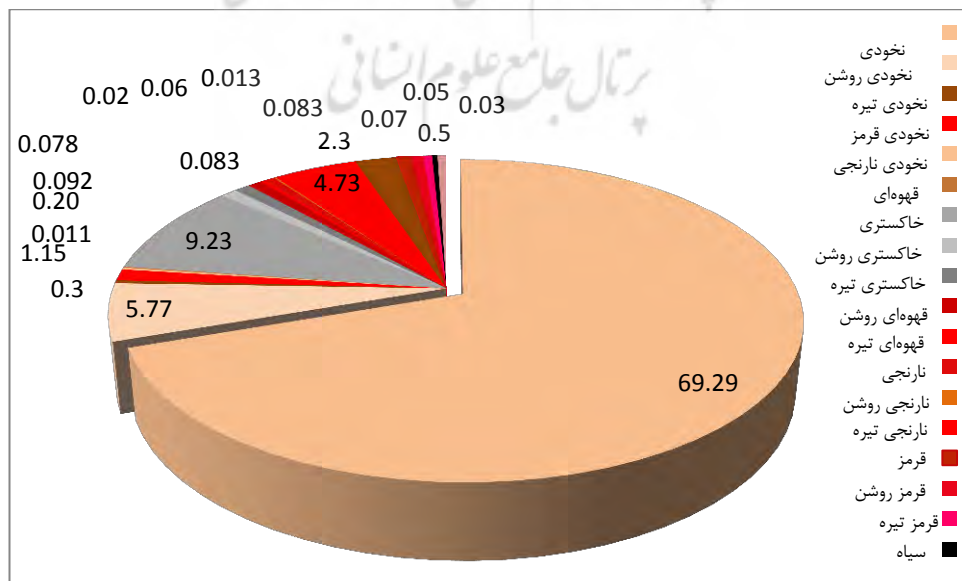
نمودار ۷: فراوانی آماری رنگ پوشش جداره بیرونی سفال‌های قلعه قونان قیران.



جدول ۹: طبقه‌بندی سفال بر اساس رنگ پوشش جداره درونی.

ردیف	رنگ پوشش جداره درونی	فراوانی	درصد
۱	نخودی	۳۰۰۱	٪۶۹/۲۹
۲	نخودی روشن	۲۵۰	٪۵/۷۷
۳	نخودی تیره	۱۵	٪۰/۳۴
۴	نخودی صورتی	۵۰	٪۱/۱۵
۵	نخودی قرمز	۹	٪۰/۲۰
۶	نخودی نارنجی	۵	٪۰/۱۱
۷	خاکستری	۴۰۰	٪۹/۲۳
۸	خاکستری روشن	۴۰	٪۰/۹۲
۹	خاکستری تیره	۳۴	٪۰/۷۸
۱۰	قهوه‌ای	۱۰۰	٪۲/۳۰
۱۱	قهوه‌ای تیره	۶	٪۰/۱۳
۱۲	قهوه‌ای روشن	۲۵	٪۰/۵۷
۱۳	نارنجی	۲۰۵	٪۴/۷۳
۱۴	نارنجی روشن	۸۸	٪۲/۰۳
۱۵	نارنجی تیره	۳۶	٪۰/۸۳
۱۶	قرمز	۳۰	٪۰/۶۹
۱۷	قرمز روشن	۲۰	٪۰/۴۶
۱۸	قرمز تیره	۲	٪۰/۰۴۶
۱۹	سیاه	۱۵	٪۰/۳۴

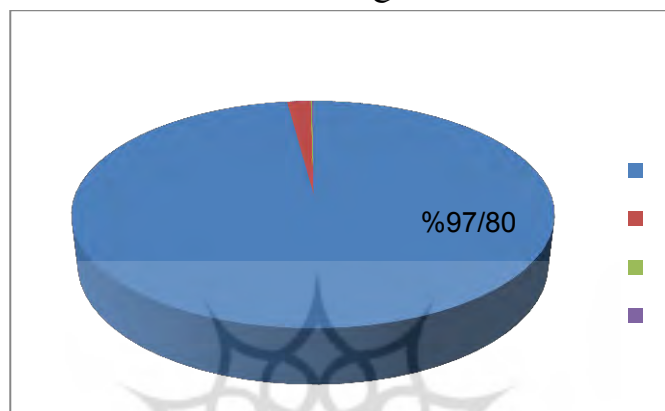
نمودار ۸: فراوانی آماری رنگ پوشش جداره درونی سفال‌های قلعه قوناق قیران



جدول ۱۰: طبقه‌بندی براساس نوع پوشش سفال‌ها.

ردیف	نوع پوشش	فراوانی	درصد
۱	گلی رقیق	۴۲۳۶	٪۹۷/۸۰
۲	گلی غلیظ	۸۰	٪۱/۸۷
۳	گلی دست مرطوب	۶	٪۰/۱۳
۴	لعاب‌دار	۵	٪۰/۱۱

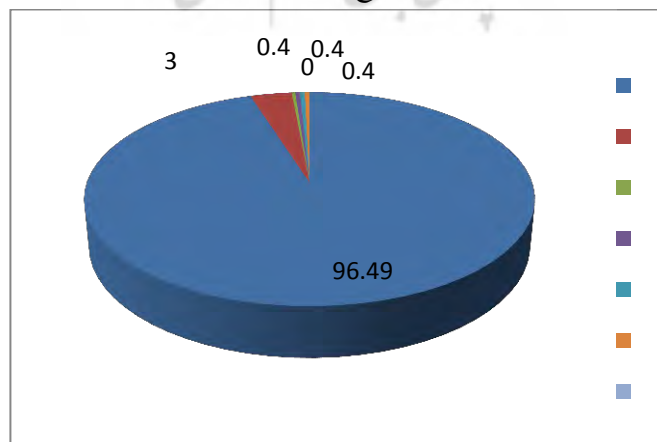
نمودار ۹: فراوانی آماری نوع پوشش سفال‌های قلعه قوناق قیران.

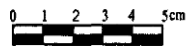
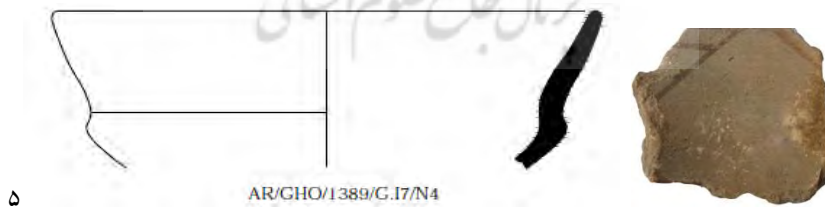
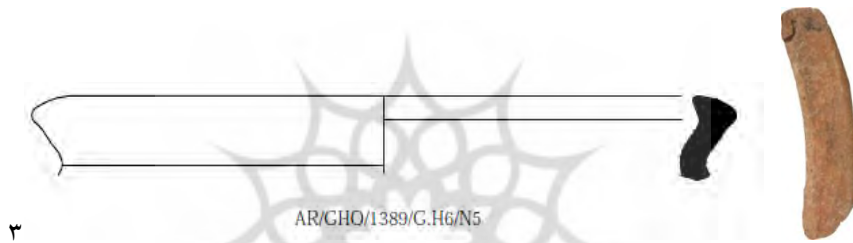
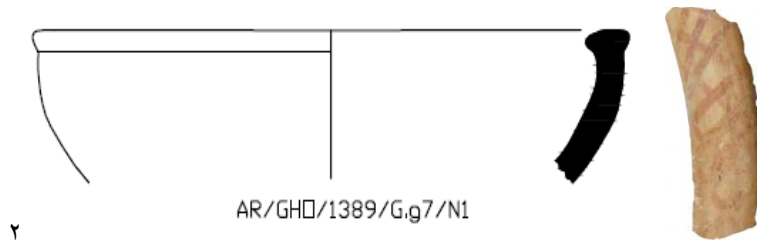
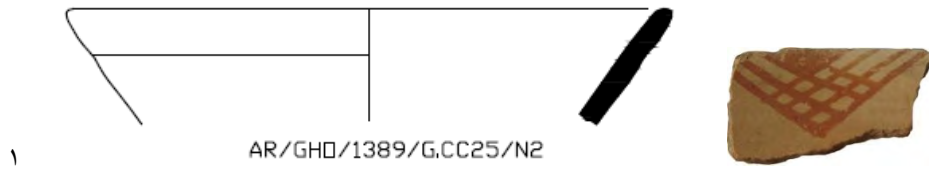


جدول ۱۱: طبقه‌بندی براساس تزئین سفال‌ها.

ردیف	نوع تزئین	فراوانی	درصد
۱	بدون تزئین	۴۱۷۹	٪۹۶/۴۹
۳	نقوش هندسی	۱۳۰	٪۳
۴	نقوش گیاهی	۱۸	٪۰/۴
۵	نقوش حیوانی	۲	٪۰/۰۴
۶	نقوش افزوده	۲	٪۰/۰۴

نمودار ۱۰: فراوانی آماری نوع تزئین سفال‌های قلعه قوناق قیران.





لوح ۱: برخی از نمونه سفال‌های قلعه قوناق قیران.

جدول ۱۲: مشخصات سفال‌های لوح ۱ و نمونه‌های تطبیقی آن در حوزه فرهنگی هخامنشی شمال غرب ایران.

ارجاع مطالعاتی (تطبیقی)	محوطه‌های تطبیقی	دوره تاریخی	ضخامت	قطر دهانه	تزیین	نوع آموزه	نحوه ساخت	میزان پخت	رنگ سطح بیرونی	رنگ سطح درونی	پوشش بیرونی	پوشش درونی	گنجهت	رنگ خمیره	نوع قطعه	شماره	زینیا
قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۴، طرح e, f, h قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۱۲، طرح ۴ قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۷، طرح b Summers, 1993, Fig. 5, Pl. 5	منطقه بوکان، ترکیه حناوی IIIA، سیمین نیه I، زیویه	هخامنشی	4 cm	14 cm	مطابقت‌های فرمز متعصب	ماسه ریزه	چرخ ساز	کافی	بخودی رقیق	بخودی رقیق	صیقل	صیقل	ظریف	بخودی	لبه	Cc.25.N2	—
قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۱۱، طرح C Summers, 1993, Fig. 3, Pl. 1 Summers, 1993, Fig. 9, Pl. 4 Dyson, 1999, Fig. 2, Type A	حناوی III A، سیمین نیه II، نیلکبابیک نیه	هخامنشی	4 cm	16 cm	طاشورهای متقاطع	ماسه ریزه	چرخ ساز	کافی	بخودی	بخودی	صیقل	گالی رقیق	ظریف	بخودی	لبه	G.7.N1	ب
Stronach, 1974, Fig. 9, Pl. 17	توشی جان	هخامنشی	5 cm	22 cm	خطوط فرمز	ماسه ریزه	چرخ ساز	کافی	بخودی	بخودی	گالی رقیق	گالی رقیق	متوسط	بخودی	لبه	H.6.N5	سا
قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۴، طرح a قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۹، طرح e Dyson, 1999, Fig. 1, Type c Rudolf, 2001, Fig. 1, Pl. 12	بوکان، قلعه خزرلو، حناوی III A، چارسدا	هخامنشی	4 cm	11 cm	خطوط موازی فرمز	ماسه ریزه	چرخ ساز	کافی	بخودی	بخودی	گالی رقیق	گالی رقیق	متوسط	بخودی	لبه	H.8.N27	ط
قبض خواجه، ۱۲۸۲، شکل ۴، طرح C Dyson, 1999, Fig. 1, Type c	منطقه بوکان، حناوی III A	هخامنشی	3 cm	16 cm	خطوط قیو، ای	ماسه ریزه	چرخ ساز	کافی	بخودی	بخودی	صیقل	صیقل	ظریف	بخودی	لبه	17.N4	س